

بررسی مسئله تحریف قرآن در دائرة المعارف قرآن لایدن

سکینه حقانی - کارشناس ارشد علوم قرآنی

دکتر محمد جواد اسکندریلو - عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیه

چکیده

یکی از شبهات وارده به قرآن از سوی مستشرقان، شبهه تحریف قرآن می‌باشد. برخی از مستشرقان نظیر «جوین بل»، «جان برتون»، «جوردن دارنل نیوبای»، «شری لویین»، با نگارش مقالاتی با این عنوان (تحریف) یا عناوین دیگر مسئله تحریف قرآن را در دائرة المعارف قرآن لایدن مطرح نموده‌اند. اینان با استناد به روایات ضعیف - حشویه اهل سنت و اخباریون شیعه - به اثبات این مطلب در این دائرة المعارف جهانی پرداخته‌اند. از جمله مواردی که این دسته از مستشرقان آنها را دستاویز خویش برای تردید در وثاقت قرآن قرار داده‌اند، می‌توان این موارد را بیان نمود: حذف سوره‌های خلع و حقد و آیه رجم و آیاتی از سوره‌های احزاب، توبه و نور از مصحف کنونی، از بین رفتن بخش‌هایی از قرآن در جنگ یمامه. در این مقاله آرای این مستشرقان بررسی و نقد شده و تحریف نشدن قرآن به اثبات رسیده است.

واژه‌های اصلی: قرآن، تحریف، صیانت قرآن از تحریف، مستشرق، دائرة المعارف

قرآن لایدن.

تحریف قرآن از نگاه نویسندگان دائرة المعارف قرآن لایدن

دائرة المعارف قرآن لایدن (Encyclopedia Of The Quran) را تعداد زیادی از محققان مسیحی و یهودی به سرپرستی خانم جین دمن مک اولیف (Gane Dammen Mcaulffe) در سال ۱۹۹۳ میلادی، در لایدن هلند نوشتند و جلد اول آن را انتشارات بریل در سال ۲۰۰۱ م در لایدن منتشر کرد و تاکنون ۵ جلد آن منتشر شده است. این دائرة المعارف مدخل‌های گوناگون (حدود هزار مدخل) در موضوعات معارف قرآنی دارد. در میان این مدخل‌ها، عناوینی به چشم می‌خورد که نویسندگان آنها یا با عنوان تحریف یا عناوین دیگر به این موضوع پرداخته‌اند. تحریف از ریشه «حرف» به معنای جابه‌جا کردن واژه‌ها و جملات یا تفسیر نادرست آنها است که مفهوم مورد نظر متکلم را از بستر صحیح خارج می‌سازد و به مفهومی کناره می‌کشد و این مفهوم در حاشیه معنای اصلی جای دارد.

از میان مدخل‌هایی که موضوع تحریف قرآن را مطرح نموده‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. مدخل «حدیث و قرآن» (Hadith And The Quran). نویسنده: «جوین بل» (G.H.A.Guynboll)، جلد دوم، صفحه ۳۷۶ - ۳۹۶.

۲. مدخل «تحریف» (Forgery) نویسنده: «جوردن دارنل نیوبای» (Jordan Damell Newby)، جلد دوم صفحه ۲۴۲ - ۲۴۴.

۳. مدخل «جمع قرآن» (Collection Of The Quran) که با بحث تحریف بی‌ارتباط نیست. نویسنده: «جان برتون» (John Burton)، جلد اول، صفحه ۳۵۱ - ۳۶۱.

۴. مدخل «تغییر و تحریف» (Revision And Alteration) نویسنده: «شری لوبین» (Shari Lowin)، جلد چهارم، صفحه ۴۴۸ - ۴۵۱.

مسائل مختلفی که نویسندگان دائرة المعارف، آنها را دست‌آویز اثبات تحریف قرآن قرار داده‌اند، عبارتند از:

۱. حذف سوره‌های «خلع» و «حفد» از مصحف کنونی.
۲. حذف آیه رجم از مصحف فعلی.
۳. حذف آیاتی از سوره‌های احزاب و نور.
۴. گم شدن بخش‌هایی از قرآن در جنگ یمامه.

۱. حذف سوره‌های خلع و حقد از مصحف کنونی

«جوردن دارنل نیوبای» در مقاله تحریف می‌نویسد:

«بازنویسی کتاب مقدس اعم از قرآن یا کتب یهود و نصاری تحت دو عنوان «تحریف» و «تبدیل» مطرح شده است و بیانگر اتهامی است در مورد یهودیان و مسیحیان که کتب آسمانی قبل از قرآن را تغییر دادند. در امت اسلام نیز گروه‌های گوناگونی متهم شده‌اند، به این که می‌گویند قرآن دچار افزوده‌ها یا کاهش‌هایی گردیده است! سنی‌ها و شیعیان هر یک دیگری را به نوعی به تحریف متهم کرده‌اند؛ یعنی اعتقاد به جای‌گزینی (تبدیل) یا حذف قسمت‌هایی از قرآن و یا اشمال بر دو سوره کامل که در مصحف ابی بن کعب وجود داشته است» ، «Gordan Darnell Newby, "Forgery", Encyclopaedia Of Quran, ۷۲, p. ۲۴۳».

«جوین بل»، که بیشتر تحقیقاتش در زمینه حدیث شناسی است؛ نیز مقاله‌ای را با عنوان «قرآن و حدیث» در دایرة المعارف قرآن لایدن نگاشته است. وی در این مقاله نظریه‌ای را بیان نموده است که اعتقاد وی به تحریف قرآن را می‌رساند. وی که در حقیقت معتقد به تحریف به کاسیتی در قرآن است، سوره‌های خلع و حقد را که در مصحف ابی بن کعب بوده، حذف شده از مصحف فعلی می‌داند. (G.H.A. Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopadia Of Quran.V.۲.P. ۳۷۶ - ۳۹۶).

سوره خلع: بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انا نستعینک ونستغفرک ونثنی علیک ولا نکفرک ونخلع ونترک من یفجرک». «پروردگارا! از تو یاری می‌طلبیم و از تو آمرزش می‌طلبیم. بر تو ثنا می‌خوانیم و بر تو کفر نمی‌ورزیم و آنها را که به تو گناه ورزند ترک کنیم و از خود دور سازیم».

سوره حقد: «بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ایاک نعبد ولک نصلی ونسجد والیک نسعی ونحقد نرجو رحمتک ونخشى عذابک ان عذابک بالکفار ملحق» «پروردگارا! تنها تو را می‌پرستیم و بر تو نماز می‌خوانیم و سجده می‌بریم و به سوی تو گام بر می‌داریم و می‌شتابیم به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو ترسانیم، همانا که عذاب تو به کافران ملحق است».

بررسی و نقد

اول: این دو سوره ادعایی تنها در کتاب‌های تاریخی گزارش شده است، اما تاکنون هیچ اثری از مصحف ابی بن کعب در دست نیست تا بتوان پذیرفت که واقعاً وی این دو سوره ادعایی را به عنوان سوره قرآن می‌دانست و از جایگاه صحابی بزرگی همچون «ابی» بسیار بعید می‌نماید که دچار چنین لغزش بزرگی شده باشد.

دوم: نگاهی به نص عبارات دو سوره نشان می‌دهد که چقدر از اسلوب بلاغی قرآن به دور است و با شیوه بیان قرآن اصلاً هماهنگی ندارد. مضمون آنها نیز کاملاً دعایی است و به رغم کوتاهی، اشکال‌های زبانی فراوانی در متن دارد، برای مثال: واژه «خلع» مناسب حال بت‌هاست، پس چگونه معنای «خلع» در مورد خداوند صدق می‌کند؟

«یفجرک» چگونه به خودی خود متعدی می‌گردد و این غلط صریح نحوی را چگونه می‌توان توجیه نمود؟

چه مناسبتی میان ترس مؤمن از خداوند و ملحق بودن عذاب الهی به کفار وجود دارد؟ بر پایه چنین دلایلی نمی‌توان این عبارات را جزء قرآن شمرد. (ر.ک. به: تاریخ قرآن، ۳۵۰ - ۳۵۳؛ قرآن‌های موجود پیش از مصحف عثمان، (ترجمان وحی)، س ۱۳۸۵، ش ۱).

سوم: روایات نشان می‌دهد که این دو سوره در اصل قنوت عمر بن خطاب یا قنوتی متسبب به پیامبر است. حال چگونه دعایی که ادعا شده بر پیامبر نازل گردیده است به دو سوره با بسم الله الرحمن الرحیم تبدیل شد؟ دلیل این مطلب آن است که طبق ادعای راوی، عبارات بالا وحی بود و چون عبارت با اللهم شروع شده است، دیگر آنکه خلیفه به خود حق می‌داد آیات قرآن را سوره‌ای مستقل قرار دهد. در اینجا نیز هر یک را سوره‌ای مستقل قرار داد. (تدوین قرآن، ۷۹).

۲. حذف آیه رجم از مصحف فعلی

جوین بل در مقاله «حدیث و قرآن» در جلد دوم دایرة المعارف لایدن به حذف آیه رجم از مصحف فعلی معتقد است و می‌نویسد:

«سیوطی تعدادی از آیات گوناگون از جمله آیه رجم (الشیخ و الشیخه اذا زینا فارجموها البته نکالاً من الله و الله عزیز حکیم) را بر می‌شمرد که طبق گفته چند تن از صحابه، به محمد صلی الله علیه و آله وحی شده بود؛ اما هرگز آنها را در قرآن نیافتند.»

«G.H.A.Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopaedia Of Quran.V۲.P. ۳۷۶-۳۹۶»

«شری لویین» نیز در مقاله «تغییر و تحریف» به این مطلب اشاره و بیان کرده است که طبق برخی احادیث موجود ذیل آیه: این آیه از قرآن فعلی حذف شده است.
«Shari Lowin, Revision And Alteration, Encyclopaedia Of Quran.V.۴.P.۴۴۹.»

بررسی و نقد

اول: حذف آیه رجم از مصحف فعلی بی اعتبار است و باید سند روایت بررسی شود. بر فرض صحت روایت، قرآن با خبر واحد (آن هم از عمر) اثبات نمی‌شود؛ زیرا تنها کسی که در صدر اسلام مدعی شد آیه‌ای به نام آیه رجم از قرآن ساقط شده است، عمر بن الخطاب بود (ر.ک. به: صحیح البخاری، ۳۳ / ۸؛ صحیح مسلم، ۱۱ / ۱۹۳؛ سنن ابی داود، ۴ / ۱۴۴ - ۱۴۵؛ سنن ابن ماجه، ۲ / ۸۵۳).

دوم: حد رجم در مورد زانی در روایات شریفه آمده است، ولی به طور جدا در مورد شیخ و شیخه حکمی در فقه نداریم و هیچ فتوایی در مورد شیخ و شیخه جداگانه داده نمی‌شود.

سوم: این جمله با فصاحت و بلاغت قرآن سازگار نیست، «جزری» درباره مضمون آیه رجم می‌گوید:

«من در نفی این عبارت تردیدی ندارم؛ زیرا هر کس این عبارت را برای اولین مرتبه بشنود، یقین می‌کند که عبارتی ساختگی است و با کلام خداوند که مثل ادعای فصاحت و بلاغت می‌باشد، قابل مقایسه نیست؛ علاوه بر آن، این نتیجه مطلوب را در بر ندارد؛ زیرا یکی از شروط ثبوت حکم سنگسار کردن، همسر داشتن است و «شیخ» در لغت به کسی گفته می‌شود که به سن چهل سالگی رسیده باشد، اما مقتضای آیه آن است که زناکار پیر سنگسار شود؛ اگر چه حتی ازدواج هم نکرده باشد.

مرد جوان اگر زنا کند و مثلاً بیست ساله باشد ازدواج هم کرده باشد سنگسار نمی‌شود. اساساً این حکم لیاقت این که منسوب به کتاب خداوند باشد را ندارد...» (حقایق هامة حول القرآن الکریم، ۳۴۸).

چهارم: نقد «ریچارد بل» بر آیه رجم

حذف آیه رجم از مصحف فعلی به قدری سست است که حتی «ریچارد بل» (Richard Bell) مستشرق اسکاتلندی، نیز در کتاب در آمدی بر تاریخ قرآن می‌نویسد: «این آیه متعلق به سوره نور یا احزاب می‌باشد؛ ولی آهنگ آن با سوره احزاب نمی‌خواند. و در عین حال حکم رجم یا سنگسار نمودن با آیه دوم سوره نور تعارض دارد که در آنجا برای زناکاران، تازیانه زدن مقرر گشته است. در مجموع بعید است که مجازات رجم هرگز در قرآن (از طریق وحی)، توصیه شده باشد؛ زیرا در بعضی قبایل روزگار جاهلیت، صورت‌های بی‌در و پیکری از چند همسری معمول و متعارف بود، و تمایز نهادن میان بعضی از آنها و «زنا» دشوار بوده است» (درآمدی بر تاریخ قرآن، ۹۰).

۳. حذف آیاتی از سوره‌های احزاب، توبه و نور

به نظر «جوین بل» علاوه بر آیه رجم، آیاتی از سوره احزاب نیز از قرآن فعلی حذف شده است. او می‌نویسد: شیعیان می‌گویند سوره احزاب در اصل، حتی طولانی‌تر از سوره بقره بوده؛ ولی در معرض تغییراتی قرار گرفته است (G.H.A. Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopadia Of Quran. V.۲.P. ۳۷۶ - ۳۹۶).

«جان برتون» نیز در مقاله «جمع قرآن» در دایرة المعارف قرآن با «جوین بل» هم عقیده می‌شود و می‌نویسد:

«ابی بن کعب گزارش می‌دهد سوره‌ی احزاب در ابتدا به اندازه‌ی سوره بقره بوده است، ابوموسی اشعری نقل نموده که سوره احزاب زمانی به اندازه سوره توبه بوده، اما من آن را به جز یک آیه فراموش کردم. حدیثه اعلام کرد و شما امروز از سوره توبه به جز یک ربع آن تلاوت نمی‌کنید. در حالی که عایشه اظهار داشت که سوره احزاب زمانی شامل دویست آیه بوده است. سوره احزاب در مصحف هم اکنون مشتمل بر هفتاد و سه آیه است. چنین گزارش‌هایی بسیاری از افراد را متقاعد نمود که آن آیات و احکام هر دو به فراموشی سپرده شده‌اند. هر دو نوع حذف (مجموعی و جزئی)

گفته شده که بیانگر مفاد مذکور در آیه ۱۰۶ سوره بقره هستند که عبارت از «نسخ» یا موجب فراموشی می باشد «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا» و سپس با آیه ای بهتر یا مشابه آن جایگزین شده است». (john burton. The collection of the quran. Encyclopaedia (of the quran.v.۱ P. ۳۵۱ - ۳۶۱).

بررسی و نقد

با مراجعه به روایات مربوط و دقت در موارد فوق، در می یابیم که هر کدام از نقل ها در مورد تعداد آیات سوره احزاب عددی را بیان نموده اند و این خود، بهترین دلیل بر عدم صحت این ادعاست و دلیلی که «برتون» ز آیه قرآن بر توجیه مطلب خود می آورد، کاملاً بی ارتباط با این بحث می باشد. اما در اینجا ذکر چند مطلب ضروری است.

اول: قرآن به تواتر طی نسل های متمادی به همین صورت و بدون کم و زیاد از پیامبر نقل شده و تواتر قطع آور است.

دوم: خداوند در قرآن صیانت آن را از تحریف ضمانت کرده است: «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (حجر / ۹).

سوم: همه مسلمانان بر این عقیده اند که قرآن کنونی به تواتر از راه حفظ آن در سینه ها، نوشتن آیات و قرائت مستمر، بدون کوچک ترین تغییر یا کاستی نسل به نسل به ما منتقل شده است. علاوه بر این علما و بزرگان شیعه - متقدم و متأخر - همگی به صیانت قرآن از تحریف تصریح نموده اند و اگر بر فرض آیاتی از سوره نور یا توبه حذف شده بود، حتماً یکی از این بزرگان بیان می کرد؛ در حالی که با مراجعه به کتب حدیثی و تاریخی معتبر شیعه می بینیم که همه بزرگان، بدون استثناء، با صراحت تمام و با ذکر دلایل فراوان عقلی، نقلی، روایی و تاریخی صیانت قرآن را از هر گونه تحریف اعلام نموده اند. (ر.ک. به: البیان فی تفسیر القرآن، ۲۰۷ - ۲۲۰؛ مدخل التفسیر، ۳۵ - ۵۳؛ التحقيق فی نفی التحریف، ۳۷ - ۵۹؛ صیانة القرآن من التحریف، ۳۵ - ۵۳؛ سلامة القرآن من التحریف، ۱ / ۱۴ - ۳۴).

۴. گم شدن بخش‌هایی از قرآن در جنگ یمامه

«جان برتون» مؤلف مدخل «جمع قرآن» در مورد حذف قسمت‌هایی از قرآن فعلی می‌نویسد:

«پس از رحلت پیامبر ﷺ، جنگ‌های داخلی رخ داد و زهری گزارش می‌دهد که افرادی از حافظان قرآن کشته شدند و بسیاری از آیاتی که آن‌ها حفظ داشتند، به صورت مکتوب در نیامده بود و جانشینان پیامبر هم هنوز متن قرآن را جمع‌آوری نکرده بودند؛ در نتیجه، آن گونه آیات به طور کلی مفقود شد و این واقعه مسلمانان را برانگیخت تا در زمان ابوبکر به این مهم همت گماردند؛ بنابراین، قرآن را روی صحیفه‌ها یا اوراقی گرد آوردند از ترس آن که مبادا دیگر حافظانی که بیشتر قرآن را در ذهن داشتند آن را با خود به گور ببرند...» (JOHN BURTON, IBID, P ۳۵۱ - ۳۶۱)

منظور «برتون» از جنگ داخلی، نبرد یمامه است طبق در برخی روایات اهل سنت بسیاری از حافظان قرآن در آن جنگ به شهادت رسیده‌اند.

بررسی و نقد

«برتون» گزارش نبرد یمامه و نتایج آن را نقل کرده و اصل این جریان از سوی اهل سنت در منابع معروفی همچون فتح الباری و تاریخ طبری به عنوان یک واقعه مسلم و مشهور تاریخی ذکر شده است (فتح الباری، ۷ / ۴۴۷؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، ۳ / ۲۹۷) و گفته‌اند که ۳۶۰ تن از مهاجران و انصار از شهر مدینه و ۳۰۰ تن از مهاجران ساکن در غیر مدینه و ۳۰۰ تن از تابعان در آن واقعه کشته شدند (الکامل فی التاريخ، ۲ / ۲۲۳). دیگر منابع اهل سنت، این جریان را به طور مفصل از زبان خود زید بن ثابت گزارش کرده‌اند (صحیح البخاری، ۶ / ۱۲۰؛ مسند احمد، ۱ / ۲۳؛ المصاحف، ۶؛ الکامل فی التاريخ، ۲ / ۲۲۳؛ الاتقان فی علوم القرآن، ۱ / ۲۰۳؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱ / ۲۵۱)

با این همه تعلیل مذکور در آن (نگرانی از کشته شدن بیشتر حافظان در جنگ‌های دیگر) به جهات زیر مخدوش است:

۱. تمام حافظان قرآن در نبرد یمامه شرکت نداشتند.
۲. بیشتر شرکت کنندگان در جنگ، قاریان قرآن بودند؛ نه حافظان قرآن.

۳. همه آنهایی که در آن جنگ شرکت کردند، کشته نشدند.

۴. آیات و سوره‌های قرآن تنها در ذهن حافظان وجود نداشت؛ بلکه در مصاحف برخی صحابه پیامبر همچون عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب نیز قابل دسترسی بود (مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، ۲۵۹ - ۲۶۰).

«ریچارد بل» نیز در نقد و رد این مطلب می‌نویسد:

«شهادی این جنگ غالباً از اسلام آورده‌های جدید بوده‌اند، به علاوه بر طبق همین حدیث بخش اعظم قرآن تا آن هنگام به نوعی به کتابت در آمده بود، لذا مرگ کسانی که می‌توانستند آن را از حفظ بخوانند، لزوماً این نگرانی را دامن نمی‌زد که بخش‌هایی از قرآن از دست رفته است» (درآمدی بر تاریخ قرآن، ۷۲).

علاوه بر مطلب بالا، در برخی روایات که به جمع، تألیف و ترتیب قرآن در زمان پیامبر اشاره دارند، بیان شده است که حضرت درباره هر آیه‌ای که نازل می‌شد به نویسندگان وحی دستور می‌داد آن را در فلان جا از فلان سوره قرار دهند. نیز در بسیاری از روایات، به جمع و تألیف قرآن هم زمان با حیات رسول خدا تصریح شده است؛ از جمله روایت مشهوری که از زید بن ثابت نقل شده است: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُوَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعِ» (الاتقان فی علوم القرآن، ۲۰۲/۱).

این روایت علاوه بر این که نشان می‌دهد نوشت افزار لازم هم زمان با زندگی پیامبر در اختیار نویسندگان وحی بود، ثابت می‌کند که اصحاب به جمع و ترتیب قرآن کریم نیز مشغول بودند.

نتیجه‌گیری

در حقیقت طرح مسئله تحریف قرآن بازخوانی شبهه‌ای کهن است که اولین بار خلیفه دوم مطرح نمود؛ مبنی بر این که آیه رجم از قرآن بود، ولی از آن ساقط شد این اظهار غیر مستند عمر، راه را برای افرادی سودجو و مغرض باز کرد تا به نوعی در وثاقت قرآن دچار تردید شوند؛ به طوری که می‌بینیم روایات ضعیف و قدیمی در این باره بسیار است و بیشتر آرای مستشرقان (از جمله مستشرقان نام برده) در دوره‌های اخیر به گونه‌ای برگرفته از این روایات ضعیف و قدیمی است که از اهل سنت به جای مانده است.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵، الطبعة الثالثة.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، داراحیاء التراث العربی، بی‌جا، بی‌تا.
۴. اسکندرلو، محمد جواد، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن. انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۵.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌جا، ۱۴۱۱.
۶. ترجمان وحی، ش ۱، ۱۳۸۵.
۷. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دارالزهراء، بیروت، ۱۴۰۸، الطبعة الخامسة.
۸. درامدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، قم، ۱۳۸۲.
۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۱۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مطبة داراحیاء الکتب العربیه، بی‌جا، بی‌تا.
۱۱. سجستانی، عبدالله بن ابی داود، المصاحف، مطبة الرحمانیه، مصر، ۱۹۳۶.
۱۲. سلیمان بن اشعث، ابی داود، سنن ابی داود، دارالحديث، قاهره، بی‌تا.
۱۳. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، فی علوم القرآن، منشورات الشریف الرضی، بی‌جا، بی‌تا.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، بیروت، ۱۳۸۷.
۱۵. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸، الطبعة الرابعة.
۱۶. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، مؤسسه المختار للنشر و التوزیع، قاهره، ۲۰۰۱م.
۱۷. لنگرانی، محمد فاضل، مداخل التفسیر، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌جا، ۱۴۱۳، الطبعة الثانية.
۱۸. محمدی (نجارزادگان)، فتح الله، سلامة القرآن من التحريف، انتشارات پیام آزادی، بی‌جا، ۱۴۲۰.
۱۹. مرتضی‌عاملی، جعفر، حقایق هامة حول القرآن الکریم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
۲۰. معرفت، محمد هادی، صيانة القرآن من التحريف، مؤسسه التمهيد، قم، ۱۴۲۸ هـ.
۲۱. میلانی، سید علی حسینی، التحقيق فی نفی التحريف، انتشارات شریف الرضی، قم، الطبعة الثانية.
۲۲. G.H.A.Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopadia Of Quran.
۲۳. G.H.A.Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopadia Of Quran.
۲۴. John burton. The collection of the quran. Encyclopaedia of the quran
۲۵. Shari Lowin, Revision And Alteration, Encyclopaedia Of Quran.